

منظور

از

حداقل ماده ۱۹۲ ق. م. ع.

چیست

بدالله قانع

قاضی دادگستری

یکی از نصایح معمول قضات مجرب این است که در مورد ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی که مکرر مورد عمل است، هر دفعه که بخواهید این ماده را بکار ببرید، حتماً بقانون مراجعه نمایید و این نصیحت می‌رساند که مراجعه ودقت در مواد حایز کمال اهمیت است که روی همین اصل بحث اینجانب در اطراف ماده ۱۹۲ می باشد که مکرر مورد عمل است و در اغلب احکام تمیزی که بعلت گذشت شاکی خصوصی و جهات دیگر نقض می‌شود، بهمین ماده ۱۹۲ استناد می‌شود، بنابراین اقتضای بحث و بررسی دارد.

بطوریکه خوانندگان محترم می‌دانند، ماده ۱۹۲ در اسفند ۱۳۰۹ اصلاح شده که ما عین عبارات ماده سابق و ماده اصلاحی را ذیلا نقل می‌کنیم تا موضوع

باتوجه بماده سابق نیز مورد امعان نظر واقع گردد :

ماده ۱۹۲ سابق : در مورد ماده ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و قسمت اول ماده ۱۷۳ و ۱۷۵ و ۱۷۶ اگر مدعی خصوصی موجود بوده ، ولی عرضحال خود را قبل از صدور حکم قطعی مسترد دارد ، مرتکب بحد اقل مجازاتی که مقرر است : یا بایک درجه تخفیف محکوم می شود و اگر مجازات مرتکب اعدام باشد ، دو درجه تخفیف داده خواهد شد .

ماده ۱۹۲ اصلاحی ۱۳۰۹ : در مورد مواد ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و قسمت اول ماده ۱۷۳ و مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ هر گاه موجبات تخفیفی از قبیل عفو از طرف مدعی خصوصی یا علل دیگر موجود باشد ، محکمه می تواند مرتکب را بحد اقل مجازات محکوم و یا مجازات را یک درجه و در موارد اعدام دو درجه تخفیف دهد .

در عین حال باید توجه داشت که با وجود این مقررات ماده ۴۴ در مورد مجازات اعدام تخفیف تا حبس موقت با اعمال شاقه و مجازاتهای مذکور در بند ۲ و ۳ (حبس موبد با اعمال شاقه و حبس موقت با اعمال شاقه) را نیز تادو درجه تخفیف تجویز نموده است .

غرض از وضع ماده ۱۹۲ بطور اخص چه بوده است ؟ زیرا در این ماده می گوید ، محکمه می تواند مرتکب را بحد اقل مجازات محکوم و یا مجازات را یک درجه و در موارد اعدام دو درجه تخفیف دهد که شکی نیست قانونگذار نظر ارفاق در این گونه موارد داشته است . ولی با وجود این مشاهده می شود که این ماده می گوید ، محکمه «می تواند» بحد اقل مجازات محکوم نماید . بنا بر این باید دید منظور ماده چیست و الا بخوبی روشن است که دادگاهها در تمام موارد و حتی بدون گذشت مدعی خصوصی و یا علل مخفف دیگر می توانند متهم را بحد اقل محکوم نمایند و صحیح بنظر نمی رسد که با وجود گذشت مدعی خصوصی و یا علل مخفف دیگر قانونگذار بدادگاه همان اجازه را بدهد که علی الاصول محاکم دارا می باشند . نکته قابل توجه اینست که هر متهمی بدون گذشت مدعی خصوصی و با وجود علل مخفف دیگر می تواند از ماده ۴۴ که حکم عامی است ، بهره مند گردد و دادگاه حتی مجازات

را اعم از اینکه اعدام باشد و یا حبس با اعمال شاقه تا دو درجه تخفیف بدهد.
در صورتی که وقتی گذشت مدعی خصوصی بسایر علل مخفف اضافه شده، در ماده ۱۹۲
تخفیف را تا يك درجه تجویز نموده است و این حکم بر اشکال ما می افزاید.

بنا بتوضیحی که بعرض رسید، مسلماً مقصود از وضع ماده ۱۹۲ بطور اخص
نسبت به شش ماده از مواد قانون مجازات عمومی این نیست که مثلاً در مورد ماده
۱۷۲ وقتی شاکی گذشت کرد و یا علل مخفف دیگر موجود بود، دادگاه بتواند
در چنین موردی متهم را به دو سال حبس مجرد محکوم نماید و یا با اعمال ماده
۱۹۲ يك درجه تخفیف بدهد. و همانطور که فوقاً اشاره شد، در مورد ماده ۱۷۱
و ماده ۱۷۶ دادگاه طبق ماده ۴۴ می تواند حتی دو درجه تخفیف بدهد و حال
آنکه طبق ماده ۱۹۲ از حبس مجرد پایین تر تعیین نخواهد شد، یعنی يك درجه.
علیهذا باید دید، آیا قانونگذار نظر بمواردی داشته که دادگاه نمی تواند
بحد اقل محکوم نماید، مثل موارد تعدد و تکرار و یا اصولاً در مقام این بوده-
است که پس از گذشت مدعی خصوصی مجازات خاصی تعیین نماید. و منظور از
اشاره بحد اقل این است که پس از تحصیل گذشت مدعی خصوصی اساساً مجازات
متهم حد اقل مجازات مقرر می باشد که دادگاه مجازات را باز هم در مورد اعدام
دو درجه و سایر موارد يك درجه تخفیف بدهد.

در مورد فرض اول که تصور کنیم قانونگذار نظر بمواردی داشته که علل
شده موجود بوده باشد و دادگاه باید متهم را بحد اکثر محکوم نماید و بر طبق
این ماده تجویز شده که بحد اقل محکوم نماید، شاید این ملاحظه موجه بنظر نرسد،
زیرا در این صورت متهمی که بر طبق ماده ۱۷۰ و قسمت اول ماده ۱۷۳ و ماده ۲ ملحقه
و ماده ۴۵ مکرر محکوم گردد، مجازات اعدام او بیش از يك درجه قابل تخفیف
نیست و فقط به حبس موبد با اعمال شاقه تخفیف می یابد. ولی اگر ماده ۱۹۲ را ناظر
بچنین موردی و یا هر موردی که ماده ۱۷۰ با ماده دیگری مورد حکم قرار
می گیرد، بدانیم، رعایت ماده ۱۹۲ بحال متهم مفید خواهد بود و جزای او که
بر طبق ماده ۴۵ مکرر از حبس موبد با اعمال شاقه پایین تر می آید، با رعایت دو درجه

تخفیف مذکور در ماده ۱۹۲ ممکن است تا سه سال حبس با اعمال شاقه تخفیف یابد. ولی این توجیه با ظاهر ماده ۱۹۲ انطباق ندارد، بخصوص که در زمان اصلاح این ماده نه ماده ۲ ملحقه وضع شده بود و نه ماده ۴۵ مکرر و بنا بر این باید سایر مواد قانون مجازات عمومی مراجعه نماییم و به بینیم در کجا قانونگذار با چنین بیانی حکمی نموده است تا مقصود او را دریابیم.

بعقیده اینجانب بیان حکم مقرر در ماده ۲۹ قانون مزبور شباهت تامی با بیان مذکور در ماده ۱۹۲ دارد که برای مقایسه این دو ماده اجازه می خواهم اجمالا مقررات ماده ۲۹ را نیز مورد دقت قرار دهیم:

ماده ۲۹ می گوید: «در مورد معاونین مجرم محکمه می تواند نظر باوضاع و احوال قضیه و یا نظر بکیفیات معاونین مجرم را بهمان مجازاتی که برای شریک جرم مقرر است، محکوم نماید و یا مجازات را از يك الى دودرجه تخفیف دهد.»

که چون در ماده ۲۷ قانون مزبور شریک را بر دو نوع تعریف کرده، یکی آنکه هر کدام فاعل آن جرم شناخته شوند که جزای هر يك از آنها مجازات فاعل است و دیگر آنکه هر کدام يك جزء از جرم واحد را انجام دهند، بطریقی که مجموع آنها فاعل آن جرم شناخته شوند که مجازات هر شریک حد اقل مجازات فاعل مستقل است. از اینجا مراد از شریک مذکور در ماده ۲۹ که بطور اطلاق ذکر شده، همان شریکی می باشد که جزئی از عمل را انجام داده و در نتیجه مجازات معاون بطور منجز حد اقل مجازات فاعل مستقل است و عمل کلیه محاکم نیز همین است که مجازات معاون را حد اقل مجازات مقرر می دانند.

بنا بر این ملاحظه می گردد که قانونگذار در همین ماده ۲۹ نیز می گوید، محکمه می تواند - مقایسه در همین کلمه «می تواند» می باشد - معاونین را بهمان مجازاتی که برای شریک مجرم مقرر است، محکوم نماید و چون مجازات شریک هم بر طبق قسمت دوم ماده ۲۷ حد اقل مجازات مقرر است، مفهوم ماده ۲۹ با اینکه با عبارت «محکمه می تواند» بیان شده، آنست که مجازات مقرر، یعنی مجازات

معاون عبارت از حداقل مجازات فاعل مستقل است که محکمه می تواند مرتکب را بهمین حد اقل که مجازات مقرر برای معاونت تعیین می شود، او را محکوم نماید و یا مجازات، یعنی همین حداقل را از يك الى دو درجه تخفیف دهد. استنباط محاکم از ماده ۲۹ نیز همین بدست آوردن حد اقل است که در هنگام تخفیف بر حسب مورد از ماده ۴۵ اصلی و یا ۴۴ و یا ۴۵ مکرر استفاده می کنند. در ماده ۱۹۲ هم شاید بتوان گفت مقصود قانونگذار همین بوده است که بادر نظر گرفتن گذشت مدعی خصوصی در مورد این شش ماده وضع مجازات مخفف قانونی نماید و مجازات این گونه موارد را اساساً حد اقل مجازات مقرر تعیین نماید و اختیاری که بمحکمه داده، اختیار انتخاب حداقل است یا اختیار تخفیف يك درجه در مجازاتهای غیر اعدام و دو درجه در مواد اعدام که مفهوم منطوق ماده نیز چنین دلالتی را در بر دارد.

برای مثال: اگر کسی متهم بارتکاب قتل منطبق با قسمت اول ماده ۱۷۱ باشد و مدعی خصوصی گذشت کرده باشد، اساساً مجازات او سه سال حبس با اعمال شاقه خواهد بود که در این صورت اگر احیاناً متهم مرتکب جرم دیگری نیز شده باشد، نباید طبق ماده ۲ ملحقه و ۴۵ مکرر مجازات را همان سه سال حبس با اعمال شاقه تعیین نمود، بلکه چون مجازات را اساساً سه سال بدون حد اقل و اکثر فرض کردیم، باید يك ربع تخفیف یابد.

در مورد ماده ۱۷۱ شاید اشکال شود که دادگاه طبق ماده ۴۴ می تواند مجازات را تا دو سال حبس تأدیبی برساند و حال آنکه بر طبق ماده ۱۹۲ يك درجه بیشتر قابل تخفیف نیست، یعنی تا حبس مجرد. پاسخ این اشکال که حتی در ابتدای بحث بآن اشاره شده، این است که اولاً اشاره بحد اقل و يك درجه تخفیف برای تعیین اصل مجازاتهاست: ثانیاً بر فرض که صرفاً بمنظور تخفیف اجازه داده شده باشد که دادگاه می تواند يك درجه تخفیف بدهد، هیچ منع قانونی برای استفاده از ماده ۴۴ وجود ندارد و هیچگاه حکم خاص ناسخ عام نیست و در چنین موردی دادگاه می تواند از حکم عام ماده ۴۴ که شامل حال کلیه متهمین نیز می شود،

استفاده و نسبت بحد اقل مقرر در ماده ۱۹۲ ماده ۴۴ را نیز اعمال نماید، ولیکن در سایر موارد مخصوصاً در موارد تکرار و تعدد جرم استفاده از ماده ۱۹۲ جایز کمال اهمیت است.

برای روشن شدن مطلب ناچار مثال دیگری می آوریم. فرض کنیم، شخصی که سبق تصمیم بر قتل نداشته و بر اثر ایراد ضرب منتهی بقوت (بموضع حساس) و رانندگی بدون پروانه یا جنحه های غیر قابل گذشت و حتی سایر مواد قابل گذشت، تحت تعقیب قرار گرفته باشد. بدیهی است با وجودی که اولیای دم گذشت کرده باشند، چون متهم مرتکب تعدد بزه شده، دادگاه با رعایت ماده ۴۵ مکرر حد اکثر تخفیفی که می تواند بدهد، این است که متهم را بحبس مؤبد با اعمال شاقه محکوم نماید. در اینجاست که اگر مجازات مقرر در ماده ۱۹۲ را مجازات مخفف قانونی بدانیم، با وجود تعدد و رعایت ماده ۴۵ مکرر می توان متهم را به حبس موقت با اعمال شاقه محکوم نمود، یعنی از حبس مؤبد با اعمال شاقه يك درجه پایین تر می آید و تا سه سال حبس با اعمال شاقه قابل تخفیف است. همچنین اگر متهمی بر طبق قسمت اول ماده ۱۷۳ و ۱۷۵ و ماده ۲ ملحقه و ماده ۴۵ مکرر بعلت گذشت شاکیان خصوصی محکوم شود، مسلم است که مجازات ماده ۱۷۳ کمتر از شش ماه و مجازات ماده ۱۷۵ کمتر از سه ماه باید تعیین شود. والا اگر بنا باشد که مجازات آنها از شش ماه و سه ماه پایین تر نیاید، مقررات ماده ۱۹۲ قابل عمل نخواهد بود؛ زیرا بدون رعایت ماده ۱۹۲ هم با ماده ۴۵ مکرر امکان تخفیف تا حد اقل امکان پذیر است. اگر مفهوم ماده ۱۹۲ به نحوی که تشریح گردید، نباشد، مسلماً مفهوم دیگری خواهد داشت که از همکاران معظم و محققان بصیر این علم استدعا می شود، موضوع را مورد بحث قرار دهند تا مفهوم واقعی آن روشن گردد و الا صحیح بنظر نمی رسد که با گذشت مدعی خصوصی و حتی علل مخفف دیگر بدادگاه اختیار داده شده باشد که مرتکب را بحد اقل مجازات محکوم نماید. زیرا همان طور که گفتیم، این تحضیل حاصل است و دادگاهها در همه حال می توانند حد اقل تا حد اکثر مجازات آنها را مورد

حکم قرار دهند. بعلاوه وضع ماده ۱۹۲ با وجود ماده ۴۴ نمی تواند دارای همان نتیجه حکم کلی باشد و حتی محدودتر، بخصوص که مقررات ماده ۱۹۲ قبل از اصلاح نیز ناظر بگذشت مدعی خصوصی بوده است.

بهر تقدیر بنظر اینجانب این ماده قابل توجه است، خاصه که يك حکم استثنایی است و فقط ناظر بشش مورد است و مسلماً قانونگذار نظر داشته گذشت مدعی خصوصی را در این شش مورد مؤثر بداند و اگر دقیقاً سیاق عبارات ماده ۱۹۲ با ماده ۴۴ مقابله گردد، تاحدی باهم تفاوت دارد؛ زیرا در ماده ۴۴ می گوید، محکمه می تواند مجازاتهای جنایی را بطریق ذیل تخفیف دهد... که بخوبی واضح است که مجازاتی مورد نظر بوده و تخفیف تجویز شده و با عبارت «تخفیف دهد» بیان حکم شده و حال آنکه در ماده ۱۹۲ می گوید محکمه می تواند مرتکب را بحد اقل مجازات محکوم نماید که بیان حکم با عبارت «بحد اقل مجازات محکوم نماید» بیان گردیده و اگر واقعاً در ماده ۱۹۲ نظر به تخفیف قضایی بود، اولاً این اختیار با عباراتی صریح و روشنتر در ماده ۴۴ ذکر و مقرر گردیده بود؛ ثانیاً لازم می آید که در ماده ۱۹۲ هم لاقلاً سیاق عبارت مانند سیاق جملات همان ماده ۴۴ بیان گردد، نه مانند سیاق ماده ۲۹ که شکی نیست مقررات ماده ۲۹ برای تعیین مجازات معاون وضع گردیده و الا قبل از وضع ماده ۲۹ حکم خاص و روشنی نسبت بمعاون وجود نداشت و مجازات معاونین منحصرأ از ماده ۲۹ استنتاج شده است. و شاید منع قانونی نداشته باشد که مقررات ماده ۱۹۲ را هم بهمان تعبیر ماده ۲۹ تلقی نماییم و اصولاً مقررات ماده ۱۹۲ را يك تخفیف قانونی بدانیم نه تخفیف قضایی و الا ماده ۴۴ و ۱۹۲ قانون مجازات عمومی اگر هر دو برای تخفیف قضایی باشند، لازم می آید که مقررات ماده ۱۹۲ متمم و مکمل ماده ۴۴ باشد، نه اینکه محدودتر.

ماحصل آنکه اگر تعبیرات فوق قابل قبول باشد، اشکالی موجود نیست و اگر صحیح بنظر نرسد، باید دید منظور قانونگذار از حد اقل مذکور در این ماده چیست.